



## الگوی روابط بین باورهای معرفت‌شناختی و رویکردهای یادگیری: بررسی نقش فرهنگ

زهرا تنها<sup>۱\*</sup>، سوده رحمانی<sup>۲</sup>، روشنگ نیک پور<sup>۳</sup>، راضیه جلیلی<sup>۴</sup>

۱- گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران، نویسنده مسؤول

۲- دکترا روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران-ایران

۳- دکترا روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران-ایران

۴- گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

### چکیده

با توجه به متأثر بودن ساختار باورهای معرفت‌شناختی و رویکردهای یادگیری از عوامل فرهنگی، به‌ویژه از لحاظ وابستگی متقابل بین افراد جامعه، پژوهش حاضر با هدف مقایسه الگوی روابط بین باورهای معرفت‌شناختی و رویکردهای یادگیری در بین دانشجویان ایرانی با سایر فرهنگ‌ها انجام شد. نمونه‌ای شامل ۳۳۲ (۱۵۶ پسر و ۱۷۶ دختر) دانشجوی دانشگاه‌های دولتی تهران به پرسشنامه‌های باورهای معرفت‌شناختی شومر (۱۹۹۰) و فرآیند مطالعه تجدید نظر شده دو عاملی بیگز، کمبر و لانگ (۲۰۰۱) پاسخ دادند. نتایج نشان داد باورهای معرفت‌شناختی با رویکردهای سطحی یادگیری رابطه مثبت و با رویکرد عمیق یادگیری رابطه منفی معنادار دارد. رابطه مثبت ذاتی بودن توانایی و رویکرد سطحی با الگوی فرهنگ‌های جمع‌گرا، رابطه منفی سرعت یادگیری با رویکرد عمیق و نیز رابطه مثبت قطعیت دانش و رویکرد سطحی با الگوی روابط در فرهنگ فردگرا هم‌هنگ بود. رابطه مثبت دو بعد سادگی دانش و سرعت یادگیری با رویکرد سطحی، در هر دو فرهنگ فردگرا و جمع‌گرا مشابه بود. نتایج علاوه بر تأیید تأثیر ساختار فرهنگی بر الگوی روابط بین رویکردهای یادگیری و باورهای معرفت‌شناختی، بر لزوم بررسی بیشتر عوامل زمینه‌ساز این تفاوت‌ها تأکید می‌کند.

**کلید واژه‌ها:** باورهای معرفت‌شناختی، رویکردهای یادگیری، فرهنگ.